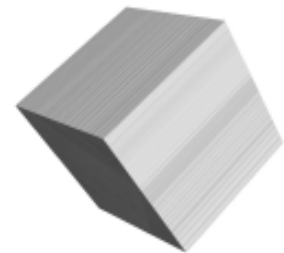


# این نوع سرمایه گذرای خارجی، فقط برای خارجی‌ها نفع دارد!



مازیار صالحی

برای ایجاد اشتغال ندارم. زیرا اولاً اتکای محوری برنامه‌های ما بر منابع و نیروهای داخلی است و نه کمک از خارج، ثانیاً عقیده ما بر این است که منابع داخلی می‌تواند تمام نیازهای کشور را در زمینه سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال و تولید پاسخ دهد (۱). در این سخنان آشکارا سمت و سوی مخالف نظر ۳۶ نماینده محترمی که طرح مذکور را مجدداً مطرح کرده‌اند، داراست. آیا حال که دولت و قاطبه مجلس نظر بر همسویی در راه اصلاحات دارند، آیا اختلافی تا این حد بنیادین را می‌توان نادیده گرفت و به کالبدشکافی آن نپرداخت؟ در هر صورت، مطالبه ادله‌ای محکم برای ارایه این

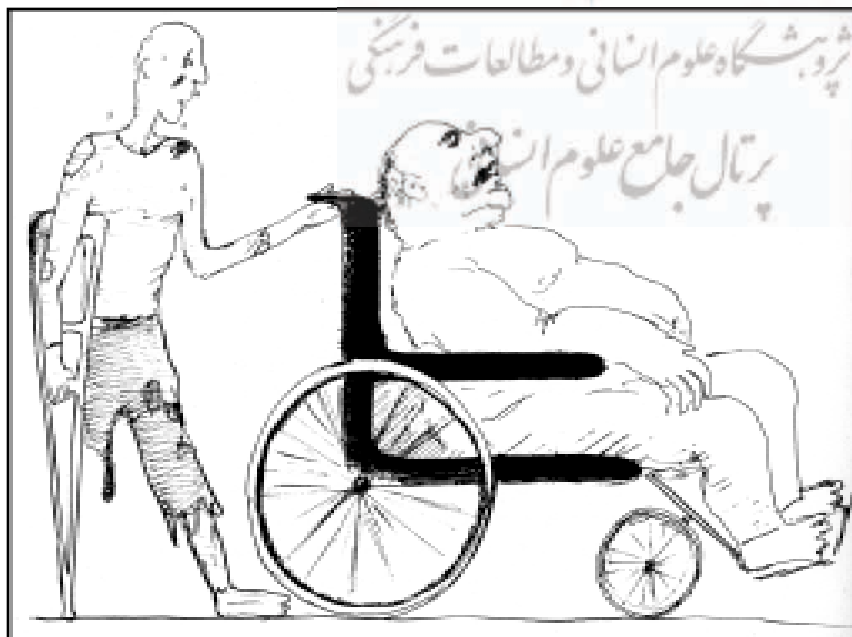
اینجا دو نکته حایز اهمیت است. نخست اینکه با استناد به کدام پژوهش علمی در مورد سرمایه خارجی این اظهار نظر ارایه شده است؟ تمام مدافعین ضرورت جلب سرمایه‌های خارجی تاکنون هیچ‌گونه سندی در این خصوص ارایه نکرده و صرفاً (در بهترین حالت) با نیروی آرژوندیشی بر موضوع خود پای فشرده‌اند. نکته دیگری که ضروری است در اینجا به آن اشاره شود، نظر آقای خاتمی در خصوص سرمایه خارجی است که در ویژه‌نامه سلام مورخ فروردین ۱۳۷۶ در آستانه انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ ابراز شده است. ایشان گفته‌اند: "من اصلاً اعتقاد به سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از بحث برانگیزترین مباحث ماه‌های اخیر، موضوع تصویب "طرح جلب و حمایت سرمایه خارجی" به وسیله مجلس شورا و رد شدن آن توسط شورای نگهبان و اعمال اصلاحاتی از جانب مجلس بوده است. نوع برخورد جریان‌های سیاسی داخل حکومت و سلطه برخی از پیش‌فرض‌ها در خصوص این جریان‌ها ممکن است موجب آن شده باشد که تلاش لازم برای نقد بایسته و کافی این طرح در افکار عمومی انجام نشده و بسیار زودتر از حد لازم از ذهن‌ها پاک شده باشد.

هیاهوی برپاشده حول این طرح، موجب شده بود که هرگونه مخالفت با آن به حساب همسویی با جریان محافظه‌کار درون حکومت تلقی شود و نتیجتاً نوعی هواداری از این طرح بر مبنای مخالف‌خوانی با جریان محافظه‌کار مذکور، در میان بسیاری از اقشار اجتماعی شکل گیرد.

می‌دانیم که هر بحثی دو و یا چند سو دارد. بنابراین، برای اینکه توفیق در بحث حاصل شود، شایسته است تا صاحبان قلم و اندیشه نظریات خود را هرچه مبسوط‌تر ارایه دهند. باشد که چراغی فرا راه قانونگذاران و قانونمداران افروخته شود.

۱- همان‌طور که در نامه نمایندگان مجلس در ابتدای طرح مشاهده می‌شود نظر به اهمیت جلب سرمایه‌های خارجی برای رونق اقتصاد کشور و افزایش اشتغال و تولید ملی "این طرح در دستور کار مجلس محترم قرار می‌گیرد. در



طرح، از حقوق مردم در برابر نمایندگان محترم مجلس است.

۲- علت معوق ماندن این طرح از دوره پنجم مجلس تاکنون چیست؟ در دوره قبل، چه کسانی و با چه استدلالی این طرح را ارایه کرده بودند و چه سنخیتی با حامیان امروزی این طرح دارند؟

۳- ماده ۱ طرح مذکور "حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری (۲) و خدمات فنی" و در یک کلام مالکیت معنوی را یکی از انواع سرمایه خارجی دانسته است. این در حالی است که در زمان تنظیم و ارایه این طرح، ایران تعهدی در خصوص مالکیت معنوی خارجیان نداشته است (مجلس شورا در مهرماه ۱۳۸۰ الحاق ایران به کنوانسیون مالکیت معنوی را به تصویب رساند). به عبارت دیگر، ارایه دهندگان این طرح خواهان آنند تا مجموعه‌ای از تعهدات بین‌المللی را در لفافه این طرح به تصویب برسانند.

از طرف دیگر، مالکیت معنوی برای سرمایه‌گذاران غیردولتی داخلی هیچ حقی ایجاد نمی‌کند و عملاً توسط قوای حکومتی به رسمیت شناخته نمی‌شود. به عبارت بهتر، ماده ۱۵ این طرح "متضمن اعطای امتیاز و حقوق انحصاری توسط دولت به سرمایه‌گذاران خارجی است"، (در کشور ما قانون حمایت از مؤلفین و مصنفین سال هاست که به تصویب رسیده است، هرچند که اجرا نمی‌شود!!) و در تضاد با مفاد ماده ۵ این طرح قرار دارد، چرا که فقدان واقعی حقوق مربوط به مالکیت معنوی در داخل و شکل نگرفتن نهادهای مربوط به آن موجب می‌شود تا این طرح عملاً سرمایه‌گذاران خارجی را در موقعیت انحصاری قرار می‌دهد. این تناقض درونی طرح مذکور، بازتاب تضادهای عمده‌ای است که از "دور مذاکرات اوروگوئه" در سازمان تجارت جهانی سر باز کرده و این سازمان را به دو نیمه فقیر و غنی تقسیم نموده است. اگرچه داغترین مبحث بین این دو نیمه، همین بحث مالکیت معنوی است، اما متأسفانه در این میان ارایه دهندگان محترم طرح به جانبداری از نیمه غنی پرداخته‌اند و حتی کمتر از زعمای بسیاری از دول جهان سومی به منافع ملی اندیشیده‌اند.

۴- یکی از تناقضات درونی این طرح، تضاد بین مواد ۵ و ۲۱ آن است. همانطور که فوقاً اشاره شد، ماده ۵ طرح مورد نظر، پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی را مشروط به عدم اعطای حقوق انحصاری و امتیاز دانسته است، در حالی که ماده ۲۱ این طرح تلویحاً ثبات قوانین را برای سرمایه‌گذاری ایجاد نمود و چنین اظهار می‌دارد که: "سرمایه‌گذاران خارجی که براساس این قانون اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند، در صورت تغییر مفاد قانون کماکان از حمایت‌های آن برخوردار می‌باشند مگر اینکه قانون بعدی شرایط مناسب‌تری را به وجود آورد." پرواضح است

### در طرح جدید، حتی نکات مثبتی نظیر تشویق خارجیان به سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و یاد رشته‌های تولیدی نادیده گرفته شده است

که در این شرایط هزینه فعالیت اقتصادی و پیشبرد امور برای صاحبان سرمایه داخلی (اعم از خصوصی یا دولتی) نسبت به صاحبان سرمایه خارجی افزایش یافته و توان رقابت با سرمایه خارجی را بیش از پیش از اینان می‌ستاند.

۵- بجاست مقایسه‌ای نیز بین طرح پیشنهادی نمایندگان و وضع موجود (قانون مربوط به جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی مصوب ۱۳۳۴/۸/۷، با در نظر گرفتن اصلاحات مربوطه) انجام شود. چنین مقایسه‌ای می‌تواند این امکان را فراهم آورد تا مشخص گردد چه منافع از تصویب این طرح عاید کشور می‌شود و اصلاً ضرورت تعویض قانون در چه چیزهایی نهفته است؟

توضیح این نکته ضروری است همان‌طور که آشکار کردن نقاط ضعف قانون موجود

نمی‌تواند دلیلی برای تأیید طرح پیشنهادی باشد، بررسی نقاط ضعف طرح پیشنهادی نمایندگان به معنی تأیید و مکفی دانستن قانون موجود نیز نیست.

الف. در ماده ۱۰ طرح مورد نظر، بر ملی نشدن سرمایه‌های خارجی تأکید شده است، این در حالی است که قانون مصوب در دوران حکومت پهلوی که رابطه‌ای تنگاتنگ با سرمایه‌گذاران خارجی داشته است، چنین حادثه‌ای را محتمل دانسته است. علت این تأکید چیست؟ مگر تاکنون چند مورد از ملی کردن سرمایه‌های خارجی در این کشور روی داده که برای تأمین منافع عمومی نبوده است یا فرآیند قانونی (قانون مربوط به زمان ملی کردن آن سرمایه‌ها) را طی نکرده است؟ اگر هم نمایندگان محترم مجلس معتقدند که تعداد این موارد زیاد بوده و موجب بالارفتن هزینه (ریسک) سرمایه‌گذاری در ایران شده است، این پرسش مطرح می‌شود که علت این امر چه بوده است و با مسبب آن چه برخوردی شده است؟ آیا بهتر نیست که نمایندگان محترم مجلس به جای صرف وقت و انرژی برای تأمین امنیت برای سرمایه خارجی، تلاش خود را وقف حفظ منابع سرمایه‌های ملی (اعم از سرمایه‌های مالی یا معنوی) کنند؟

ب- یکی از نکات بسیار مهمی که در طرح فوق‌الذکر وجود دارد، موضوع یک طرفه بودن حق سرمایه‌گذاری خارجی است که در این طرح به صورت یک طرفه برای خارجیان مطرح شده است، در حالی که طبق ماده ۶ قانون موجود، "مقررات این قانون شامل مؤسسات و اتباع دولت‌هایی خواهد بود که در کشور آنها انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی و تسهیلات متقابل برای اتباع و مؤسسات ایرانی ممکن باشد." طرح ارایه شده از سوی نمایندگان محترم آشکارا از منافع موجود در سایر کشورها برای ایرانیان صرف نظر کرده است و گویی احتمال اینکه این چنین منفعی وجود داشته باشد را صفر می‌داند. حتی اگر چنین باشد، علت حذف این شرط از طرح مورد نظر معلوم نیست و می‌توان آن را کماکان در قانون لحاظ کرد.

ج- یکی از نکات مثبت قانون موجود، اولویت دادن به پیشنهادهای سرمایه‌گذاری است که برای به کار انداختن سرمایه‌های خارجی در شهرستان‌ها واصل می‌شود.

به این ترتیب، در قانون موجود، تمرکز زدایی از سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد رونق و اشتغال در شهرستان‌های مختلف کشور نیز مد نظر بوده است، حال آنکه در طرح موجود، قانون مزبور، نیز حذف شده است!

شایسته است نمایندگان محترم به جای بازکردن عرصه اقتصاد ملی بر روی سرمایه‌های خارجی، با آن به عنوان مکمل سرمایه داخلی برخورد کنند و با ارایه پیشنهادهایی برای تنظیم جریان سرمایه، فعالیت‌ها و مناطقی را که بازار سرمایه داخلی، به دلایل مختلف توان یا علاقه‌ای برای حضور و فعالیت در آنها ندارد، مشخص کرده و تدابیر لازم برای سمت و سو دادن به سرمایه‌های خارجی را در طرح پیشنهادی خود لحاظ کنند.

د- در وضع موجود این طرح هیچ تفاوتی بین سرمایه‌گذاری‌های تجاری (که بنا بر تجارب تاریخی جریان مسلط در سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران بوده است) و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و یا فعالیت‌های غیرتجاری بخش خدمات، لحاظ نشده است. پرواضح است که اشتغال‌آفرینی و رونقی که بر اثر حضور سرمایه تجاری خارجی در کشور ایجاد می‌شود، بسیار ناچیز بوده و حتی اگر جنبه‌های انحصاری آن، که پیشتر به آن اشاره شد، در نظر گرفته شود اثر منفی و کاهنده خواهد داشت که مطمئناً خلاف خواسته و منویات ارایه دهندگان طرح مورد نظر است. با این تفاسیر، آیا نمایندگان محترم هستند که کوچکترین امیدی به اثرات مثبت سرمایه‌های خارجی داشته باشند؟

\*\*\*\*

پی‌نوشت‌ها:

۱- علاوه بر آن وعده، آقای خاتمی در آستانه انتخابات ۱۸ خرداد سال جاری و در آخرین سخنرانی انتخاباتی

خود با تأکید و صراحت متذکر شد مخالف با جهانی شدن اقتصاد است. یکی از پیش شرط‌های قبول جهانی‌سازی اقتصاد، حرکت آزاد سرمایه است. لذا می‌توان گفت ایشان با تعهدی که در این زمینه به ملت ایران داده در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی دارای دیدگاه‌های متفاوتی با دیدگاه‌های طرفداران سرمایه‌گذاری خارجی است. (برای کسب اطلاع بیشتر مراجعه کنید به مجله گزارش شماره ۱۲۴ صفحات ۳۰-۳)

۲- پس از بهمن ۱۳۵۷ بر روی بسته‌های دستمال کاغذی نام کلینکس خط‌خورده بود و در کنار آن نوشته شده بود: سالانه ۵ درصد از سود ناخالص (یا فروش) کارخانه به خاطر استفاده از نام "کلینکس" به شرکت خارجی پرداخت می‌شد. آیا احیای مجدد حق مالکیت معنوی برای سرمایه خارجی موجب افزایش سهم آن از تولید داخلی و همچنین فشارهای اجتماعی مربوط به آن نخواهد شد؟ از طرف دیگر، چرا در آن زمان به نفعی این مقوله پرداخته شد؟ امیدواریم که پاسخ این پرسش به آب و هوای آن دوران محدود نشود!!

